

## کار کردن برای جلال خدا

جین ادوارد ویث

کاری که واقعاً به درستی انجام و سپس به خدا نسبت داده شود، پادزهر غرور است. وقتی به چیزی دست می‌یابید که حقیقتاً می‌توانید در موردش احساس خوبی داشته باشید، مانند ضربه‌ای در بیسبال، فروش یک محصول، کمک به مشتری، ساخت فرآورده‌ای خوب یا ارتباط با یک مخاطب، ممکن است شما را وسوسه کند تا از خود تجلیل کنید. ممکن است دچار وسوسه شوید تا در آنچه که ترجمه‌ی کتاب مقدس کینگ جیمز آن را «غرور بیش از حد» می‌نامد، افراط کنید (فیلیپیان ۲: ۳). اما در عوض، می‌توانید آن تجلیل را به سمت خود خدا هدایت کنید، کسی که به شما توانایی، فرصت و شغلی داد تا دستیابی به موفقیت برایتان ممکن شود. به طرز متناقضی، موفقیت بزرگ باعث می‌شود به جای احساس غرور، حس فروتنی داشته باشید و در نتیجه، خدا را ستایش نمایید.

جلال خداوند به تعالی برتر، نیکی حیرت‌آور و عظمت لایتناهی او اشاره دارد. هنگامی که خدا را می‌ستاییم و می‌پرستیم، از خداوند تجلیل می‌کنیم، یعنی جلال و عظمتش را تصدیق می‌نماییم. مزامیر سرشار از چنین ستایش‌هایی هستند:

ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید.

جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید.

خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید.

خداوند را در زینت قدوسیت سجده کنید. (مزمور ۲۹: ۱-۲)

اما کلام خداوند می‌فرماید باید او را در همه‌ی جوانب زندگی‌مان نیز تجلیل نماییم. «... خواه هرچه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید» (اول قرنتیان ۱۰: ۳۱). این شامل شغلی که خدا به ما بخشیده نیز می‌شود. و در زندگی کسل‌کننده و معمولی ما، جدا از چند موفقیت بزرگ، کاربرد دارد.

روشی که می‌توانیم خدا را در کار خود تجلیل کنیم اینست که کار خود را به بهترین نحو انجام دهیم. «هر چه دستت به جهت عمل نمودن بیابد، همان را با توانایی خود به عمل آور...» (جامعه ۹: ۱۰). پولس رسول در کولسیان، در چارچوب یک متن به‌طور ویژه در مورد شغل- شوهران، همسران، فرزندان، والدین، خدمتکاران، اربابان- می‌گوید «و آنچه کنید، از دل کنید، به‌خاطر خداوند نه به‌خاطر انسان» (کولسیان ۳: ۲۳). «از دل» به معنای «از صمیم قلب» است. هنگامی که کار خوبی انجام می‌دهیم، به خداوندی ارج می‌نهیم که ما را به آن کار فراخوانده است.

این بخش از متن همچنین نشان می‌دهد که چگونه می‌توانیم برای انجام کار خوب برانگیخته شویم. ما «برای خداوند» کار انجام می‌دهیم. پولس در گفتمان عالی خود در افسسیان ۵-۶، در مورد مشاغل گوناگون، در مبحثی پیرامون اینکه چگونه «غلامان» (از منظر سیستم اقتصادی، می‌توانیم این را برای کارکنان به‌کار ببریم) باید به اربابان خود (می‌توانیم این را برای کارفرمایان اعمال کنیم) خدمت کنند، بر این نکته تأکید می‌نماید:

ای غلامان، آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز، با ساده‌دلی اطاعت کنید، نه به خدمت حضور، مثل طالبان رضامندی انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده‌ی خدا را از دل به عمل می‌آورند، و به نیت خالص خداوند را بندگی می‌کنند نه انسان را. (افسسیان ۶: ۵-۷)

تصوّر کنید بدترین رئیس دنیا را دارید. چگونه می‌توانید برای چنین شخصی کار خود را به بهترین نحو انجام دهید؟ برای او کاری انجام ندهید. برای خدا کار کنید. انجام کاری «برای خداوند» موجب می‌شود «از دل» کار کنید، و این نوع کار، خدا را نیز تجلیل می‌کند.

خداوند طبق مشیت الهی بر کل مخلوقات خود فرمانروایی و مراقبت می‌کند، برای اینکه این فرمانروایی و مراقب را تا حدودی از طریق کارکردن انجام دهد، از میان انسان‌های معمولی انتخاب می‌کند. هدف او از شغل این است که موهبت‌های خود را به‌واسطه‌ی آنچه انجام می‌دهیم به ما عطا کند، با فراهم نمودن نان روزانه از طریق مشاغل کشاورزی و نانوايي؛ حفاظت از ما به‌وسیله‌ی حاکمان قانونی؛ شفا یافتن به‌واسطه‌ی پزشکان و پرستاران؛ خلق و مراقبت از زندگی جدید از طریق والدین؛ اعلام کلام خدا توسط شبان‌ها. بنابراین، مقصود از مشاغل ما، محبت و خدمت کردن به اطرافیان مان است. هنگامی که این چنین کار انجام می‌دهیم، خداوند به واسطه‌ی ما برکاتش را عطا می‌کند. پطرس رسول بین شغل، خدمت و تجلیل خداوند ارتباط برقرار می‌سازد:

و هر یک بحسب نعمتی که یافته باشد، یکدیگر را در آن خدمت نماید، مثل وکلاء امین فیض گوناگون خدا. اگر کسی سخن گوید، مانند اقوال خدا بگوید و اگر کسی خدمت کند، بر حسب توانایی که خدا بدو داده باشد بکند تا در همه چیز، خدا به واسطه‌ی عیسی مسیح جلال یابد که او را جلال و توانایی تا ابدالآباد هست. آمین. (اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱)

هنگامی که صرفاً برای منافع شخصی خود کاری را انجام می‌دهیم، از خودمان تجلیل می‌کنیم. هنگامی که برای خدمت به دیگران کار می‌کنیم، از خداوند تجلیل می‌نماییم.

این که خواستار جلال خود باشیم به راحتی به ذهن مان خطور می‌کند. حتی یعقوب و یوحنا رسول هم نسبت به سهم خود در جلال عیسی جاه طلب بودند. «به ما عطا فرما که یکی به طرف راست و دیگری به طرف چپ تو در جلال تو بنشینیم» (مرقس ۱۰: ۳۷). شاگردان دیگر آزرده خاطر بودند، اما عیسی با آنها مهربان بود، آنها را عیناً ملامت نکرد، اما نشان داد که سهم شدن در جلال او با سهم شدن در جلال دنیا تفاوت دارد:

می‌دانید آنانی که حکام امت‌ها شمرده می‌شوند بر ایشان ریاست می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان مسلطند. لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند. (آیات ۴۲-۴۵)

جلال مسیح در صلیب اوست، و خداوند به واسطه‌ی صلیب او، همراه با صلیب‌های ما برای خدمت فداکارانه، ما را جلال می‌دهد (لوقا ۹: ۲۳-۲۶؛ دوم قرنتیان ۴: ۷-۱).

بیشتر ما مشاغل معمولی داریم، با این وجود می‌توانیم بخاطر شغل خود سپاسگزار باشیم. «هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تمجید می‌کند...» (مزمور ۲۳: ۵۰). حس قدردانی نسبت به خدا درک وابستگی ما به او و به وجد آمدن از فیض غیرقابل درک اوست. و «زیرا که همه چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله‌ی بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید» (دوم قرنتیان ۴: ۱۵).

دکتر جین ادوارد ویت، رئیس و استاد ادبیات کالج پتریک هنری در پُرسلویل، ویرجینیا، است. او نویسنده‌ی چندین کتاب از جمله خدا در کار و خواندن بین خطوط است.

این مقاله در مجله **تیبیل تاک** منتشر شده است.